

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۳۱ جنوری ۲۰۲۲

مشکلات طالبان با پاکستان و ایران

(۱)

یکشنبه- ۱۰ دلو ۱۴۰۰ - کابل: این را همه می دانیم که در رساندن طالب به قدرت حاکمه، به همان اندازه که ساخت و بافت های پت و پنهان امپریالیسم امریکا و ارتجاع هار طالبی نقش داشته، به همان اندازه همسویی و همکاری و بسترسازی برای برگشت دوباره طالب به قدرت، کشورهای پاکستان و ایران نیز نقش داشته اند. حتا به گفته تعدادی از آگاهان سیاسی افغانستان و جهان، در نتیجه مساعدتهای بی انتهای پاکستان و ایران با طالب بوده که امپریالیسم امریکا به زانو درآمده و ادار به انتقال قدرت به آنها شده است.

این دو کشور که با رساندن طالب به قدرت حاکمه در پی فرار "غنی احمدزی" به مثابه "جیون ترین مرد جهان"، می شود گفت از خوشحالی "شادی مرگک" شده بودند و نمی دانستند چگونه شادی و شادمانی شان را ابراز دارند، این مساعدتها را محض رضای خدا نکرده، هریک از آنها خواستهای خاص خودشان را از طالب داشتند و امیدوار بودند که با آوردن این نوکر گوش به فرمان، خواستهای شان در اسرع وقت برآورده گردد. آنچه را آنها نمی خواستند ببینند و یا امیدوار بودند که نبینند، "گره های ستراتیژیک" در روابط بین افغانستان، پاکستان و ایران به مثابه سه کشور همسایه بود که با آمد و رفت این و یا آن حاکمیت تازمانی که راه حل ستراتیژیک برای آن گره ها یافت نشده، با تمام قدرت برجایش باقی می مانند و هرلحظه ممکن است باعث حدت یابی تضاد های خاصی بگردد. در یادداشت کنونی بسیار مختصر مسائلی را که باعث می گردد تا گره های ستراتیژیک فی مابین این سه کشور را حدت بخشند و انتظارات پاکستان و ایران از طالب جهت حل و کشودن کامل آن گره نظر می اندازم؛ امیدوارم خبرگان امور بیشتر آنها را باز نمایند.

۱- کشور پاکستان که از ۴ دهه بدین سو روی تعقیب سیاست های معینی خود را در آستانه سرکوب فهری سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم امریکا و شرکا قرار داده و این که که بعد از آن همه "جانفشانی" ها و "خطرکردن" ها نوکران گوش به فرمان خود را به حاکمیت رسانیده است، از این نوکران چند انتظار مشخص دارند:

*- آنچه به مثابه یک غده سرطانی و آتشفشان خاموش در مناسبات دو کشور وجود دارد و هر لحظه این امکان است که به اساس دخالت های برونی سرباز نموده، دو کشور را به یک جنگ ویرانگر و نافرجام مرزی سوق دهد، یعنی

"معضل معاهده دیورند" با پذیرش مواضع پاکستان نقطه پایان گذاشته، بیش از این مانع تمدید سیم خاردار بین دو کشور نگردند؛

*- سیاست های ستراتیژیک کشورش را در تمام زمینه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در مناسبات داخلی و خارجی تابع و حد اقل با سیاست های اعلام شده و اعلام نشده پاکستان تطابق بخشند؛ یعنی نه تنها در امور داخلی عزل و نصب مقامات را با پاکستان عیار سازد، بلکه در امور بین المللی نیز در همان مسیری حرکت نماید که از طرف پاکستان مشخص شده است، به عبارت رساتر "تحت الحمایگی" پاکستان را بپذیرد؛

*- به هیچ کشور و نیروئی این اجازه را ندهد تا از خاک پاکستان منافع و امنیت پاکستان را تهدید نماید و در مقطع کنونی که "طالبان پاکستان" برخورد های نظامی با دولت پاکستان دارند و از افغانستان به مثابه عقبگاه و پایگاه اکمالاتی خود استفاده می برند یا آنها را به پاکستان تسلیم نمایند و یا هم حد اقل از خاک خودش اخراج کنند؛

*- روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی اش با هندوستان را نه تنها قطع نماید بلکه این آمادگی را نیز داشته باشد، تا در صورت تشدید مخاصمات بین هند و پاکستان، در کنار پاکستان ایستاده، کشورش را به مثابه عمق ستراتیژیک پاکستان در خدمت ارتش آن کشور قرار دهد؛

*- در بدل استفاده از خاک پاکستان جهت انتقال محموله های صادراتی و وارداتی افغانستان، به پاکستان این امکان را مساعد سازد تا از افغانستان به مثابه کانل ارتباط با آسیای میانه سود جسته، آن کشور ها را به بازار امتعه پاکستانی میدل بسازند؛

*- به ارتش پاکستان این امکان را مساعد بسازد تا در داخل افغانستان پایگاه های تربیتی برای تروریست ها به وجود بیاورد.

هموطنان گرامی!

احتمالاً شما هم در جریان قرار گرفته باشید که "مشاور امنیت ملی پاکستان" با یک هیأت عریض و طویل امروز به کابل آمده بود و با مقامات گوناگون نظام "ملاسالار" دیدار نموده با آنها راجع به خواستهای شان صحبت نمود.

طالب که پاکستان را از همه بیشتر می شناسد و می داند که با هرگام عقب نشینی، دولت پاکستان ۱۰ گام جلوتر خواهد آمد، با اگر و مگر های طولانی ضمن آن که تعمیم برخی از خواستها را "زمانبر" و حتا از بیرون از صلاحیت خود اعلام داشتند، بقیه را به شناسائی رسمی خودشان از جانب پاکستان و گرفتن تعهد از آن کشور که دوستان و متعهدان بین المللی اش را نیز به شناسائی نظام ملاسالار ترغیب خواهند نمود، گره و پیوند زدند.

طالب که خودش خالق داستان "سر درخت و پائین درخت" است و می داند که در صورت برآورده ساختن اهداف پاکستان بدون آن که اهداف خودش نخست برآورده شود، دیگر نه "چرگی" باقی خواهد ماند و نه هم "پرگی"، علی رغم تمام فشاری که از جانب پاکستان بر آنها وارد شد، تا حال از برآورده ساختن اهداف پاکستان شانه خالی نموده اند، این که تا چه زمانی قادر خواهند شد روی مواضع خود ایستادگی نمایند و پاکستان در آن صورت از چه ابزاری علیه آنها استفاده خواهد نمود، مسأله ایست که آینده روشن خواهد ساخت عجاتاً هر دو طرف با حزم و احتیاط کامل عمل می نمایند، تا دیده شود چه می شود.

ادامه دارد

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!